

(زناده) و رجال سیاست!

ناسیونالیستهای دو آتشه ، مسلمانان را متهم کرده اند که : در محیط اسلامی نیز مانند جهان مسیحیت تفتیش عقاید شدیدی ، برای سرکوبی آزاد اندیشان مانوی دایر شده بود ، و لیکن تمام شواهد تاریخی نشان میدهد این تفتیش عقاید ، علمی و مذهبی نبوده ، بلکه جنبه سیاسی داشته است .

بررسی کرده و سپس به اصل مطلب پردازیم .
 بنا بر آنچه اهل فن ، تصریح کرده اند ، خود این کلمه ، عربی نیست بلکه يك لفظ فارسی بوده که معرب شده است (۱) اصل وریشه آن گوناگون ذکر شده است چون: زنده کرد (۲) زند (زندگی) (۳) زندی، زنده (۴) زندیک (بمعنی تاویلون) (۵)

هرگاه تاریخ قرن اول عباسی (۱۳۲ - ۵۲۳۲) را مورد دقت و مطالعه قرار دهیم، می بینیم کلمه (زندقه) و (زناده) و رد زبان همه کس بوده و افکار توده مردم با نهایت دقت متوجه آن بوده است و خیلی از مردم راست یا به دروغ بدان متهم میشدند. خوب است اول اشتقاق و موارد استعمال این واژه را که در تاریخ و روایات زیاد بچشم می خورد،

- ۱ - مراجعه شود به «صاحح» جوهری و «لسان العرب» و کتاب: «جمهرة اللغة»: ابن درید ج ۳ ص ۵۰۴
- ۲ - (۳) شفاء الغلیل : شهاب الدین احمد الخفاجی (۹۷۷ - ۱۰۶۹ هـ . ق) ص ۱۱۲
- ۴ - ای متدین بکتاب یقال له زنده ادعی المجوس انه کتاب زرادشت . او هذه النسبة السی قرية بیخارا : کتاب الانساب ص ۲۸۰ و : رساله فی تصحیح لفظ الزندیق .
- ۵ - مانی و دین او ص ۲۰

به چه اشخاصی زندیق می گفته اند؟

آیا مقصود اتباع مانی می باشند؟ یا مقصود ایرانیانی هستند که به دین قدیم خویش باقی مانده بودند اعم از زردشتی، مانوی و مزدکی؟ یا مقصود مادیها و دهریها بوده اند که منکر خدا و قهرماً منکر همه ادیان بوده اند.

بطوریکه از عبارات «ابن ندیم» (۱۰) - ابن قتیبه (۱۱)، طبری (۱۲)، مسعودی (۱۳)، خوارزمی (۱۴) مقدسی (۱۵) و برخی دیگر از مورخان (۱۶) برمی آید لفظ «زندیق» بر پیروان مانی تطبیق می شود همان مانویها بودند که در میان مسلمانان به زندیق و زندقه شهرت داشتند.

«ابن قتیبه» دینوری (متوفی ۲۷۶ هـ. ق) در کتاب «المعارف» آنجا که کیش های دوران جاهلیت را شرح میدهد، می گوید: قبيله ريبيعه و غسان و جمعی از قضاعه، مسیحی بودند و قبيله های حمیرو بنی کنانه و بنی الحارث و کنده، کلیبی بودند، قبيله

زن دین (ای دین المرأة) (۶) زندکرای (بقول بدوام بقاء الدهر) (۷).

بنابراین لفظ «زندیق» در زبان عرب نیامده، عربها اگر بخواهند معنایی را که از زندیق فهمیده می شود، اراده کنند، ملحد یا «دهری» می گویند. (۸)

«مسعودی» در کتاب «مروج الذهب» می نویسد: زردشت کتاب خود را اوستا نامید و خود شرح و تفسیری بر آن نوشت اسم آن شرح را (زند) گذاشت و از این روایرانان، هر کس که مطلبی بر خلاف اوستا بگوید و یا اظهار آن به تأویل و توجیه عدول نماید «زندی» می گویند یعنی کسیکه اظهار کتاب به تأویل، که مخالف ظاهر است عدول نموده است و مانی هم چون اوستا را تأویل کرد لذا مانی و پیروان او را «زندی» گفتند عربها هم همین کلمه را به صورت «زندیقی» معرب کردند اتباع مانی را «زنادقه» نامیدند (۹)

۶ - قاموس: فیروزآبادی / ۳ ص ۱۲۸ - تاج العروس فی شرح جواهر القاموس ج ۶ ص ۳۷۳

۷ - لسان العرب، ابن منظور (۶۳۰ - ۷۱۱ هـ. ق) ج ۱۲ ص ۱۲ بنا بقول مانی و دین او

۸ - شفاء الغلیل فیما فی کلام العرب من الدخیل - طبع مصر ص ۱۱۲ - در مورد اشتقاق این لفظ سخن

بسیار است در این باره مراجعه شود به «رسالة فی تصحیح لفظ الزندیق» تألیف: «ابن کمال پاشا» متوفی سنه ۹۴۰

۹ - مروج الذهب ج ۱/ ۲ ص ۲۵۱ (۱۰) فهرست ابن الندیم ص ۴۸۶ - (۱۱) المعارف: طبع مصر ص ۲۶۶ متوفی سنه (۲۷۶ هـ. ق)

۱۲ - تاریخ طبری ج ۱۰ ص ۵۱۹ (۱۳) مروج الذهب ج ۲ ص ۲۵۱ (۱۴) مفاتیح العلوم: خوارزمی:

طبع لیدن / ص ۳۷ - ۳۸

۱۵ - البدء والتاریخ: مقدسی ص ۱۴۵ (۱۶) الانتصار، خیاط معتزلی: طبع مصر ص ۱۰۷ - الاعلان

النفسیه: ابن رسته ج ۷ ص ۲۱۷

مربوط و یا دست کسم به آنها منسوب بود . همین زنادقه وهی دینان ، مادامیکه کارشان ایجاد شک وشبهه در عقاید مسلمانان بود به اصطلاح فقط به اسلام حمله می کردند، چون حکومتهای غاصب وقت معمولا خود را مؤول حفظ و نگهداری اسلام نمی دانستند لذا این گونه عقاید باطل بیش از مذاهب دیگر امکان رواج و انتشار داشت .

بیهوده نیست که یکی از فاسدترین خلفای اموی ولید بن یزید با آراء و عقاید زنادقه روی موافق نشان داد و خود بزندقه تظاهر کرد (۱۹) و همچنین بعضی از خلفای عباسی نیز در میان مردم به زندقه معروف بودند (۲۰) ولذا «زنادقه» کاملا از طرف دستگاه حمایت می شدند و از اینجاست که می بینیم با آزادی کامل با رهبران مذهبی و علما و دانشمندان اسلامی به بحث و گفتگویی پرداختند و درباره قرآن مجید (سند اسلام) سخن به نیکی نمی گفتند، بعضی از آنان سخنانی هم از خود می ساختند و آن سخنان را در برابر قرآن کتاب خدا می نهادند (۲۱)

«حمدالله مستوفی» (متوفی ۷۵۰ هـ . ق) در «تاریخ گزیده» می نویسد : «قوم زنادقه در عهد هادی قوت گرفتند از ایشان عبدالله بن المتفح و صالح

تمیم که زرازه و حاجب بن زرازه از آنهاست مجوسی بودند ، جمعی از قریش هم «زندیق» شده و زندقه را از اهل حیره آموخته بودند . (۱۷)

از عبارات او چنین استفاده می شود که «زندقه» یک کیش مخصوص و یکی از کیشهای ایرانی بوده و قبیله قریش هم آن را از مردم حیره گرفته بودند ، زیرا حیره نزدیک ایران در آن زمان زیر فرمانروایی ایرانیان اداره می شد .

حتی طبق گفته برخی از خاورشناسان کلمه «زندیق» یک فرقه خاصی از پیروان مانوی اطلاق میشد و سپس شامل تمام مانویها گردید و بعد کافرو دهری هم مشمول آن شدند . (۱۸)

بالاخره روی هم رفته از کتب تاریخ و لغت بدست می آید که لفظ «زندیق» به پیروان مانوی اطلاق شده است و اگر هم بر کافرو ملحد و افراد لاابالی و اهل فسق و فجور هم دلالت کند آن معنی جدیدی است .

کوشش و فعالیت زنادقه :

«زندقه» دنباله تعالیم مانوی بود و اساس آن بر شک و تردید نسبت بهمه ادیان قرار داشت . از این رو بود که هر کس در عقاید و مبانی دین شک داشت بازنادقه

۱۷ - المعارف : ص ۲۶۶ طبع مصر

۱۸ - فجر الاسلام ص ۱۰۸ - ص ۱۰۹

۱۹ - امالی: سید مرتضی (۳۵۵ - ۴۳۵ هـ . ق) ج ۱ ص ۸۸ - رساله ابن الفارح (۳۵۱ - ۴۶۱

ق . ه) ص ۲۴

۲۰ - فهرست ابن الندیم : ص ۴۸۷ - قرأت بخط بعض ائبل المذهب ان المأمون کان منهم

(۲۱) التنبیه والرذ : ملطی ص ۴۴ طبع استانبول

دهم. ابن ابی العوجا ماند و نتوانست چیزی بگوید
از نزد امام رفت و بدوستان خود گفت: من از شما
خواستم قطعه حصیری بمن بدهید روی آن بنشینم
شما مرا روی آتش انداختید (سألتکم ان تلتمسوا لی
خمرۃ فالقیتمونی علی جمرة) (۲۳)

دوستانش به او گفتند: ساکت باش بخدا قسم ما را
مفتضح کردی زیرا حیران و سرگردان شدی و نتوانستی
جواب بگویی و ما هیچگاه ترا این چنین حقیر و
پست ندیده بودیم. در پاسخ آنها گفت: مگر
نمی‌دانید که این فرزند کسی است که سرهای این
مردم را تراشیده است (اشاره به جمعیت ائمه
حاجیان کرد). (۲۴)

زندیق دیگری وقتی با امام رضا (ع) مناظره میکرد
پرسید که این روزه و نماز برای شما چه فایده‌ای
دارد؟ امام فرمود اگر قیامتی باشد، که حتماً هست -
اداء این فرائض، ما را سود دهد و اگر نباشد از
انجام این اعمال زیانی بمانرسد. (۲۵)

بدین ترتیب خطرناکترین فرقه ضد مذهبی
(زنادقه) در محیط اسلامی از آزادی کاملی برخوردار
بودند با ائمه اطهار (ع) و علما و متکلمان اسلام به
بحث و مناظره می‌نشستند. مسلمانان، معتقد بودند
باید غلبه بر مخالفان به استدلال باشد نه بزور قدرت

بن عبد القدوس و عبد الله بن داود و عبد الله بن هاشمی
خواستند که نقیض قرآن انشا کنند. ابن المقفع که
افصح فصحا و اعلم علما بود، در آن زمان شش ماه در
آن کار رنج برد و يك خانه پراز مسوده کرد و نقیض
يك كلمه نتوانست گفت، و لاشك مخلوق كجانب نقیض
كلام الله غير مخلوق تواند گفت؟ (۲۲)

آداب و مناسک دینی را نیز بدیده استهزاء می-
دیدند گستاخی را به جائی رسانده بودند که در موسم
حج در مسجد الحرام در تجلیگاه عظمت اسلام و
مسلمین، ابن ابی العوجا و ابن طالوت و ابن الاعمی
و ابن المقفع و جمعی دیگر از زنادقه شرکت داشتند
همینکه نظرشان به رئیس مذهب شیعه حضرت
صادق (ع) افتاد، زنادقه با بن ابی العوجا گفتند:
می‌توانی با این مرد بحث کرده و بر او سخت بگیری و
از او سوالاتی بنمائی که او را در حضور همه رسوا
سازی می‌بینی که مردم چگونه به او علاقه‌مندند و او
علامه زمان خود می‌باشد؟ سرانجام ابن ابی-
العوجا پذیرفت و پیش رفت و با گستاخی هر چه
تمامتر سوالاتی از امام (ع) نمود امام صادق (ع)
با منطق محکم و عالی به همه اشکالات او پاسخ
گفت. در پایان، امام فرمود: اگر در چیزهایی که
پیغمبر اسلام (ص) آورده شکمی داری بی‌رس تا توضیح

۲۲ - تاریخ گزیده: در احوال: الهادی بالله: ص ۳۰۰ - ص ۳۰۱

۲۳ - این عبارت مثلی است که عربها در این قبیل موارد استعمال میکنند

۲۴ - بحار الانوار: مجلسی / ج ۴ ص ۱۳۹ ص ۱۴۰ طبع کمپانی ۲۴ جلدی. مرحوم کلینی ایسن

جریان را با مختصر تفاوتی در اصول کافی جلد اول: کتاب التوحید: حدیث دوم ص ۷۴ ص ۷۸ نقل کرده است

۲۵ - اصول کافی / کتاب التوحید حدیث سوم ص ۷۸

شده‌اند واقعاً زندیق بوده‌اند .

علاوه بر رجال سیاست ، دیگران نیز از شعرا و نویسندگان و سایر افراد متنفذ ، نفع خود از این عنوان استفاده کرده و رقیبان خود را به این نام متهم میکردند .

«احمد امین» نویسنده مصری ، می‌نویسد : « از حق نباید گذشت ، تهمت زندیق بودن در آن عصر حد و اندازه نداشت شاعری که باشاعر دیگری دوست بود چون از او رنجیده میشد او را زندیق میخواند مانند بشار و حماد» . سپس می‌افزاید که در مجلس «یونس بن ابی فروة» ، نام «ابن منذر» برده شد حاضرین همه او را زندیق گفتند ، من از آنجا به مسجد رفتم ، ابن منذر را در حال نماز دیدم در همان هنگام نزد آن جماعت برگشته ، گفتم : کسی غیر از خدا برنامه‌آگاه نیست ...

ابوالعتاهیه چون در اشعار خود نام مرگ را بسیار آورده ، میگویند چون ذکر از دوزخ و بهشت نیاورده باید زندیق باشد ، از این و امثال این معلوم میشود که مردم در آن عصر تهمت زندقه را به اندک چیزی به مخالفان خود می‌بستند ...» (۲۸)

مینویسند : در زمان مهدی خلیفه جبار و ستمگر عباسی ، تقشیر عقاید خیلی شدیدی برقرار گردید ،

زیرا غلبه‌یی که به قدرت حاصل شود بازوای قدرت هم از میان می‌رود اما پیروزی که به دلیل و برهان حاصل شود هیچ چیز نمی‌تواند آن را از میان ببرد . ولی بعدها « زندقه » عنوان سیاسی بخود پیدا کرد و یکی از احزاب ضد خلافت بشمار رفت ؛ اساس حکومت و خلافت را به خطر انداخت ، از این روی ، خلفای عباسی برای حفظ موقعیت خود بشدت به مبارزه آنان برخاستند و آنان را بسختی کوبیدند . و حتی پیدایش گروهی «زندیق» به معنی مانوی و دوخدائی یا بمعنی دهری . دستاویزی شده بود که رجال سیاست دشمنان خود را به این نام و به این بهانه ازین ببرند . چه بسا بسیاری از آزاد مردان و دوران‌دیشان را بهمین تهمت ازین بردند . لذا در میان متهمان ، افرادی دیده می‌شود که بزه و نیکی و وفاداری به اسلام معروف بودند (۲۶) و برخی از شیعیان اقمی و مورد توجه اهل بیت که سرسخت مخالف خلفا بودند ؛ مشمول عنوان «زندقه» شده بودند ، در میان متهم شدگان **دعبل بن علی** خزاعی شاعر معروف اهل بیت ، **ابوالعتاهیه** ، **ابونواس** ، **علی بن یقطین** و **ابومسلم خراسانی** و ... دیده می‌شوند (۲۷) از این رو ، بهیچ وجه نمیتوان اعتماد کرد همه کسانی که مورد این اتهام واقع

۲۶ - به عنوان نمونه : ابن الندیم در فهرست ص ۲۰۴ ضمن شرح حال ابو زید احمد بن سهل بلخی می‌گوید: وی متهم به زندقه بود در حالی که یکی از دوستان وی نقل میکند این مردی بود موحد و خداپرست ...

۲۷ - رسالة الغفران : ابوالعلاء معری (۳۶۳ - ۴۴۹ هـ . ق) ص ۳۵۱ - ص ۳۵۴ - تاریخ طبری

ج ۱۰ ص ۵۴۸

۲۸ - ضحی‌الاسلام ، جلد اول ص ۱۶۳

بردند! (۳۴)

کاملاً روشن است مهدی و هادی و هارون که قهرمانان مبارزه با زنادقه‌شمرده‌شده‌اند؛ آدم‌های دینی نبودند که بگوئیم مبارزه آنان بسا زنادقه به علت اسلام و مسلمانان بوده است بلکه آنان مانند بسیاری دیگر فریفته ریاست بودند و برای حفظ موقعیت خود از هیچ جنایتی مضایقه نداشتند و از طرف هر کس و هر فرقه‌ای نسبت به خلافت خود کوچکترین خطری احساس می‌کردند، شدیداً به مبارزه آنان بر-می‌خاستند.

اینکه برخی از ناسیونالیست‌های دوآتشه؛ مسلمانان را متهم میکنند بر اینکه مسلمانان نیز مانند مسیحیان؛ محکمه تقییش عقاید دایر کردند بکلی بی‌اساس است البته هرگاه چنین محکمه‌ای دایر شده باشد بطور مسلم این تقییش عقاید علمی و مذهبی نبوده بلکه جهت بررسی به «عقاید سیاسی» بوده است و هیچ ربطی به اسلام و مسلمانان ندارد، تاریخ اسلام نشان میدهد تا حال دیدید نشده است هیچ دانشمندی بخاطر علم و فهم و درکش از طرف مسلمانان مورد اذیت و آزار قرار بگیرد!

معروفست که هنگامیکه یکنفر زندیق را نزد المهدی آوردند وی خواست او را توبه دهد نپذیرفت، مهدی امر کرد تا گردنش را بزنند و سپس بسدارش آویزند و آنگاه به «موسی الهادی» فرزند خویش وصیت کرد و گفت: «... تو باید برای آنها دایر بر پا کنی تا بکشند آنها نزد خدا مقرب شسوی» او چون به خورفت نشست سوگند یاد کرد که يك چشم بینا از آنها باقی نگذارد». (۲۹)

بدین ترتیب مهدی عباسی قهرمان مبارزه با زنادقه شمرده می‌شود و او بود که عده زیادی از آنان را کشت (۳۰) و در این باره مدعی بود که جدش عباس بن-عبدالمطلب، در خواب، دستور چنین عملی را بسه وی داده است! (۳۱)

همچنین هارون خلیفه جبار عباسی عده‌ای از آنان را به حضور پذیرفت و دستور داد همه آنان را بکشند. (۳۲) هارون زندانی داشت بنام «حبس الزنادقه»، مخالفان خود را روانه همان زندان می‌نمود (۳۳) هارون همینکه با یحیی بن خالد برمکی دشمنی سیاسی پیدا کرد یحیی و تمام اولاد برمک متهم بزنادقه شدند! همه را به زندان زنادقه برده؛ تمام آنان را از بین

۲۹ - تاریخ الامم والملوک تألیف: طبری (۲۲۴ - ۳۱۰ هـ . ق) ج ۱۰ ص ۵۸۸

۳۰ - تاریخ یعقوبی ج ۳ ص ۱۳۳

۳۱ - تاریخ طبری ج ۱۰ ص ۸۸ - حوادث سنه ۱۷۰ هـ . ق .

۳۲ - کتاب الانساب: سمانی (۵۰۶ - ۵۶۲ هـ . ق) صفحه ۲۸۰ طبع لیدن

۳۳ - وفيات الاعیان ابن خلکان (۶۰۸ - ۶۸۱ هـ . ق) ج ۱ ص ۳۰۱

۳۴ - همان مدرک ج اول ص ۳۰۴